

مقاله‌ی پژوهشی

بررسی ارتباط سبک دلبستگی بالغین به والدین با میزان عملکرد جنسی زنان

خلاصه

مقدمه: عملکرد جنسی سالم در زنان نقش مهمی در احساس سلامتی و بالا بردن کیفیت زندگی آنان دارد. نگرش، امیال و درک شریک جنسی در ارتباطات جنسی می‌تواند شاخه‌هایی از دلبستگی با والدین به شمار آیند. با توجه به نظریه‌ی مهم دلبستگی بالبی و دسترسی اندک به مطالعاتی که فرضیات مشتق از این نظریه را در زمینه‌ی مشکلات جنسی آزمون کنند، پژوهش حاضر با هدف تعیین ارتباط سبک دلبستگی بالغین به والدین با عملکرد جنسی زنان انجام شد.

روش کار: این مطالعه‌ی توصیفی همبستگی در سال ۱۳۸۸ بر ۱۶۱ زن متأهل ۱۵-۴۴ ساله که به روش آسان از درمانگاه زنان بیمارستان قائم (عج) و مطب متخصص زنان شهر مشهد انتخاب شدند، انجام شد. داده‌ها با پرسش‌نامه‌ی سبک دلبستگی بالغین به والدین در دوران کودکی و شاخص عملکرد جنسی زنان، جمع‌آوری و با نرم‌افزار SPSS با ضریب اطمینان ۹۵ درصد با استفاده از آزمون آماری رگرسیون خطی تحلیل شد.

یافته‌ها: تمام حیطه‌های عملکرد جنسی به جز رطوبت جنسی ارتباطی مثبت و معنی‌دار با سبک دلبستگی ایمن به مادر داشته و تمام حیطه‌های عملکرد جنسی به جز بی‌دردی جنسی، ارتباطی منفی و معنی‌دار با سبک دلبستگی سرد به پدر دارد ($P < 0.05$).

نتیجه‌گیری: دلبستگی ایمن به مادر و دلبستگی نا ایمن سرد با پدر در زمان کودکی، در عملکرد جنسی بزرگسالی اهمیت ویژه دارد و نظریه‌ی بالبی مبنی بر این که دلبستگی در کودکی بر روابط بزرگسالی فرد در آینده موثر است، تایید می‌شود.

واژه‌های کلیدی: ایمن، جنسی، دلبستگی، سرد، عملکرد

پروین سالاری

عضو هیئت علمی گروه مامایی، دانشکده‌ی پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی مشهد

*نورسادات ناییب‌نیا

کارشناسی ارشد مامایی

مرتضی مدرس غروی

مرکز تحقیقات روان‌پزشکی و علوم رفتاری، استادیار گروه روان‌پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی مشهد

فاطمه وحید رودسری

استادیار زنان و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی مشهد

هادی جباری نوقانی

استادیار آمار، دانشگاه فردوسی مشهد

*مؤلف مسئول:

ایران، مشهد، خیابان ابن‌سینا، دانشکده‌ی پرستاری و مامایی

تاریخ وصول: ۹۰/۳/۱۱

تاریخ تایید: ۹۰/۹/۷

پی‌نوشت:

این مطالعه پس از تایید کمیته‌ی پژوهشی و با حمایت مالی معاونت پژوهشی دانشگاه علوم پزشکی مشهد انجام شده و با منافع نویسندگان ارتباطی نداشته است. از همکاری صمیمانه‌ی دکتر مارلین استو، قدردانی به عمل می‌آید.

Original Article

Surveying the relationship between adult attachment style to parents with female sexual function

Abstract

Introduction: Normal female sexual function has an important role in feeling healthy and increasing quality of their life. Attitudes, tendencies and understanding of sexual partner in sexual relationship, can be accounted as some branches of attachment to parents. In spite of importance of Bowlby's, there are few theory about attachment studies that tested hypothesis derived from this theory about sexual problems, this research is accomplished to determine the relationship between adult attachment style to parents with female sexual function.

Materials and Methods: This research is a kind of descriptive-correlational study. 161 married women, between 15-44 years were selected by convenient sampling from Ghaem Hospital, obstetricians offices, in Mashhad. Data were collected by questionnaires of adult scale of parental attachment during their childhood, and female sexual function index. Data were analyzed by SPSS using liner regression; confidence interval was considered 95%.

Results: The entire domain of sexual function except sexual lubrication were related to secure attachment style to mother and all domains of sexual function except sexual painless was negatively related to distant attachment style to father ($P < 0.05$)

Conclusion: Maternal secure attachment and paternal insecure distant attachment play important role in adulthood sexual function which is in agreement to Bowlby's findings.

Keywords: Attachment, Distant, Function, Secure, Sexual

Parvin Salari

Membership of scientific board of midwifery department, Faculty of nursing and midwifery, Mashhad University of Medical Sciences

**Anvar-Sadat Nayebi-Niya*
M.Sc. in midwifery

Morteza Modarres Gharavi

Psychiatry and Behavioral Sciences Research Center, Assistant professor of psychiatry, Mashhad University of Medical Sciences

Fatemeh Vahid-Roudsari

Assistant professor of gynecology, Mashhad University of Medical Sciences

Hadi Jabbari Nooghani

Assistant professor of statistics, Ferdowsi University of Mashhad

***Corresponding Author:**

Faculty of nursing and midwifery, Ibn-e-Sina St., Mashhad, Iran

Received: Jun. 01, 2011

Accepted: Nov. 28, 2011

Acknowledgement:

This study was approved by the research committee and financially supported by vice chancellor of Mashhad University of Medical Sciences. The authors had no conflict of interest with the results.

Vancouver referencing:

Salari P, Nayebi-Niya AS, Modarres Gharavi M, Vahid-Roudsari F, Jabbari Nooghani H. Surveying the relationship between adult attachment style to parents with female sexual function. *Journal of Fundamentals of Mental Health* 2012; 13(4): 346-55.

مقدمه

همکارانش قابل بهره‌برداری شد (۱۲). بر اساس نظریات بالبی دلبستگی به معنای پیوند عاطفی است که در کودکی، بین کودک و مراقبت‌دهنده‌ی اصلی وی شکل می‌گیرد و بر رشد اجتماعی و احساس کودک در کل زندگی موثر است (۱۷). نظریه‌ی دلبستگی انسان‌ها را به عنوان موجوداتی اجتماعی می‌نگرد که ظرفیت برقراری ارتباط با سایر انسان‌ها را دارند تا بتوانند زنده بمانند (۱۸). نوزادان به طور ژنتیکی در حدود شش تا دوازده ماهگی شروع به تشکیل پیوند دلبستگی می‌نمایند (۱۹). اینزورث با مطالعه بر روی ۲۳ کودک یک ساله الگوهای دلبستگی را به انواع دلبستگی ایمن^۶، ناایمن اجتنابی^۷ و ناایمن دوسوگرا^۸ طبقه‌بندی کرد. پژوهشگران در مطالعات بعدی، طبقات دیگری به این دسته‌بندی افزودند (۱۸). به عنوان مثال اسنو^۹ و همکارانش، جهت دستیابی به اطلاعاتی راجع به الگوی ارتباطی بالغین با پدر و مادر در زمان کودکی، تحقیقاتی انجام داده و در نهایت مبادرت به ساخت ابزاری نمودند که در آن پنج نوع سبک دلبستگی با پدر و مادر توضیح داده می‌شود و شامل انواع ایمن، والدینی، وابسته، هراسان، و سرد می‌باشند (۲۰). بالبی معتقد است دلبستگی در رابطه‌ی والد و کودک به رابطه عاشقانه‌ی بزرگسالی فرد انتقال می‌یابد و می‌تواند بر رفتار، هیجانات و شناخت، در هر زمانی از زندگی تاثیر بگذارد.

دلبستگی ایمن، عملکرد و شایستگی را در روابط بین فردی تسهیل می‌کند و موجب ارتقای رفتار اجتماعی و گسترش مقاومت روانی می‌شود (۱۸). افراد با دلبستگی ایمن، سطح بالاتری از اعتماد و رضایت و سطح پایین‌تری از تعارضات دارند، در حالی که افراد با دلبستگی دوسوگرا با عدم تعادل در احساسات و تعارضات بالاتر و افراد با دلبستگی اجتنابی با رضایت و صمیمیت کمتر و تعارضات بیشتر مشخص می‌شوند (۱۱). یافته‌های مطالعه‌ی برنیوم^{۱۰} نشان داد که سبک دلبستگی دوسوگرا به طور معنی‌داری با کاهش در رضایت، صمیمیت، لذت و برانگیختگی جنسی ارتباط داشته و سبک دلبستگی

عملکرد جنسی سالم در زنان، نقش مهمی در احساس سلامتی و بالا بردن کیفیت زندگی آنان دارد (۱). اختلال در سیستم جنسی منبع اصلی تعارضات ارتباطی است که می‌تواند موجب تردید در مورد عشق و علاقه و افزایش نگرانی زوجین نسبت به پایداری ارتباط شده (۲) و ممکن است موجب طلاق و جدایی زن و شوهر گردد (۳). شیوع مشکلات جنسی در زنان، بالا است. لایومن^۱ و همکاران در ایالات متحده‌ی آمریکا دریافتند ۴۳ درصد زنان و ۳۱ درصد مردان مبتلا به اختلال جنسی می‌باشند (۴). بر اساس متن بازنگری شده‌ی چاپ چهارم کتابچه‌ی تشخیصی و آماری اختلالات روانی^۲، یک چرخه‌ی پاسخ جنسی شامل چهار مرحله‌ی میل، برانگیختگی، اوج لذت و فرونشینی، می‌باشد (۵). عوامل مختلفی در تعیین رفتارها و تمایلات جنسی نقش دارند نظیر محیط، عوامل هورمونی، تشریحی، فیزیولوژی، روان‌شناسی، فرهنگی، روابط فرد با دیگران، تجارب رشدی در طول دوران زندگی (۷-۴) و هم‌چنین عواملی چون طول مدت و کیفیت رابطه، عوامل روانی فردی که از روابط دوران کودکی در ارتباط با نقش‌های والدی منشا می‌گیرد و به طور کلی روش‌های تطابق با احساسات، بیماری‌ها و استفاده از دارو، تنش‌های شخصی و هیجانات می‌توانند پاسخ جنسی را تحت تاثیر قرار دهند (۷،۸). نگرش، امیال و درک شریک جنسی در ارتباطات جنسی می‌تواند شاخه‌هایی از دلبستگی^۳ با والدین به شمار آیند (۹).

مطالعات نشان داده‌اند که دلبستگی با عواملی هم‌چون سلامت روان (۱۰)، تنش (۱۱)، کیفیت روابط بین فردی (۱۲)، رضایت زناشویی (۱۳) و نیز مسایل مختلف جنسی در ارتباط است (۱۲، ۱۶-۱۴) و این یافته‌ها باعث شده است که توجه پژوهشگران به نقش دلبستگی در مسایل جنسی افزایش یابد. نظریه‌ی دلبستگی توسط بالبی^۴ در سال ۱۹۶۹ با عنوان دلبستگی و جدایی ارایه شد و با انجام مطالعاتی توسط اینزورث^۵ و

¹Laumann²Diagnostic and Statistical Manual of Mental Disorders, 4th ed. Text Revision³Attachment⁴John Bowlby⁵Mary Ainsworth⁶Secure Attachment⁷Insecure Attachment Avoidant⁸Insecure Attachment Ambivalent⁹Snow¹⁰Birnbaum

مذهب اسلام، تاهل، سواد خواندن و نوشتن در حد پاسخگویی به سئوالات مربوط به پرسش‌نامه‌ی شاخص عملکرد جنسی و گذشت حداقل ۶ ماه از تاریخ ازدواج، هم‌چنین عدم بیماری و شرایط روانی و جسمی خاص یا مصرف داروهای موثر بر فعالیت جنسی در زوجین و عدم سوء مصرف مواد، بود.

ابزار مورد استفاده عبارت بودند از:

- پرسش‌نامه‌ی مشخصات فردی و زناشویی: این پرسش‌نامه شامل چهار بخش مشخصات فردی و جمعیت‌شناختی، مامایی و ازدواج، روابط جنسی و زناشویی و نقش زنانگی است که روایی به روش محتوا و پایایی آن با روش بازآزمایی با $r=0/9$ تایید گردید.

- پرسش‌نامه‌ی شاخص عملکرد جنسی زنان: این پرسش‌نامه شامل ۱۹ سؤال با ۶ حوزه‌ی مستقل ۱- میل، ۲- تحریک روانی، ۳- رطوبت، ۴- ارگاسم (اوج لذت)، ۵- رضایت‌مندی و ۶- احساس درد در روابط جنسی می‌باشد. هم‌چنین کل عملکرد جنسی نیز نمره‌ای دریافت می‌کند. روایی به روش محتوا و پایایی به روش بازآزمایی با $r=0/85$ و $P<0/01$ تایید شد.

- پرسش‌نامه‌ی تعیین سبک دلبستگی بالغین: این مقیاس، الگوی ارتباطی که بالغین در سنین زیر ۱۴ سال با پدر و مادر تجربه کرده‌اند را با ۸۴ سؤال در دو بخش پدر و مادر می‌سنجد. این مقیاس پنج نوع سبک ایمن، هراسان، وابسته، والدینی و سرد را در افراد بزرگسال مشخص می‌کند. مجوز استفاده از این ابزار از طراح اصلی آن خانم اسنو، کسب (۲۰) و پس از ترجمه و ویرایش با نظر متخصص زبان انگلیسی و فارسی، روایی آن به شکل محتوا و پایایی آن به روش آلفای کرونباخ با نمره‌ی $\geq 0/70$ در هر یک از خرده‌آزمون‌ها تایید شد.

جهت کنترل متغیرهای مداخله‌گر از پرسش‌نامه‌ی DASS-21^۴ (تعیین همزمان تنش، افسردگی و اضطراب)، پرسش‌نامه‌ی رضایت زناشویی اصلاح شده و پرسش‌نامه‌ی نگرش جنسی پژوهشگر ساخته استفاده شد که روایی آن با روش محتوا و پایایی آن به روش آزمون مجدد با $r=1$ و $P<0/01$ تایید شد.

به واحدهای پژوهش در مورد اهداف، نگهداری محرمانه‌ی پاسخ‌ها، ارایه‌ی اطلاعات به صورت کلی و مختار بودن به

اجتنابی، فقط با کاهش صمیمیت جنسی در ارتباط است (۲۱). نتایج مطالعه‌ی تریسی^۱ و همکاران بر روی نوجوانان مشخص نمود که سبک دلبستگی با انگیزش جنسی و هیجانات تجربه شده در طی فعالیت جنسی مرتبط است و افراد ایمن با احتمال بیشتری از رابطه‌ی جنسی لذت می‌برند و افراد دوسوگرا و اجتنابی کمتر قادر به تجربه‌ی هیجانات گرم و صمیمانه در طی فعالیت جنسی می‌باشند (۲۲). دمپستر^۲ و همکاران دریافتند که دلبستگی وابسته‌ی هراسان و سرد با مادر و دلبستگی وابسته‌ی والدینی هراسان و سرد با پدر به طور مثبت و سبک دلبستگی ایمن به پدر و مادر به طور منفی با فعالیت جنسی ناخواسته ارتباط دارند (۱۲). با این حال نمی‌توان با اطمینان گفت که توانایی افراد در حل مسایل، ناشی از کیفیت دلبستگی آن‌ها است و همیشه دلبستگی ایمن ضمانتی برای سلامت روانی نیست (۲۳). کوپر^۳ در مطالعه‌ی طولی در نیویورک، دریافت که نمی‌توان از دلبستگی ایمن در نوجوانی برای پیشگویی انگیزش جنسی استفاده کرد و در مورد دو نوع دلبستگی نایمن اضطرابی و اجتنابی، پیشگویی تنها برای بیزاری جنسی موثق بوده است (۱۵). با توجه به اهمیت عملکرد جنسی در زندگی و نظریه‌ی دلبستگی بالبی و اینزورث در این زمینه و تاثیرپذیری عملکرد جنسی از عوامل متعددی چون فرهنگ و مذهب و دسترسی محدود پژوهشگر به مقالاتی که فرضیه‌های مشتق از این نظریه را آزمون کنند، محقق بر آن شد تا پژوهشی را با هدف تعیین ارتباط سبک دلبستگی بالغین به والدین با میزان عملکرد جنسی زنان مراجعه‌کننده به درمانگاه زنان بیمارستان قائم (عج) و مطب متخصصین بیماری‌های زنان در شهر مشهد در سال ۱۳۸۸ انجام دهد.

روش کار

این مطالعه از نوع همبستگی دو متغیره است که با نمونه‌گیری به روش آسان بر روی ۱۶۱ زن متأهل در سن باروری، مراجعه‌کننده به درمانگاه زنان بیمارستان قائم (عج) و مطب متخصصین بیماری‌های زنان در شهر مشهد در سال ۱۳۸۸ انجام شد. معیارهای ورود به مطالعه شامل دارا بودن ملیت ایرانی،

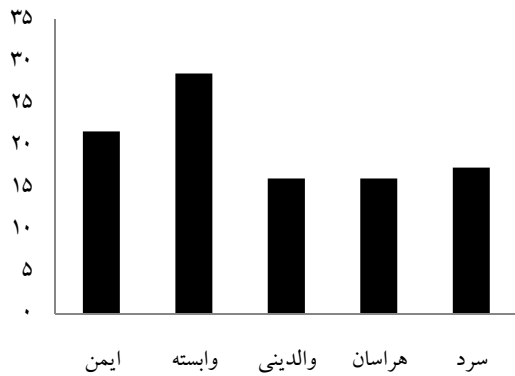
¹ Tracy

² Dempster

³ Cooper

⁴ Depression Anxiety Stress Scale-21

ارتباطی منفی با سبک دلبستگی سرد به مادر به جز عدم احساس درد و ناراحتی در روابط جنسی دارد.



نمودار ۲- فراوانی سبک‌های دلبستگی با پدر در زنان مورد مطالعه

در مورد رطوبت جنسی، این ارتباط منفی معنی‌دار (جدول ۱) و عملکرد جنسی و تمام حیطه‌های آن به جز عدم احساس درد و ناراحتی در روابط جنسی، ارتباطی منفی و معنی‌دار با سبک دلبستگی سرد به پدر دارد (جدول ۲).

بحث و نتیجه‌گیری

یافته‌ها نشان داد که عملکرد جنسی و حیطه‌های آن به جز رطوبت جنسی ارتباطی مثبت و معنی‌دار با سبک دلبستگی ایمن به مادر دارد و تمام حیطه‌های عملکرد جنسی به جز عدم احساس درد در روابط جنسی، ارتباطی منفی با سبک دلبستگی سرد به مادر دارد که البته این ارتباط فقط در مورد رطوبت جنسی، معنی‌دار شد.

مطالعه‌ی تریسی و همکاران بر روی نوجوانان نیویورکی، بیانگر این بود که افراد ایمن، میل و قابلیت‌های جنسی بیشتری داشته و بیشتر از افراد دیگر از فعالیت جنسی لذت می‌برند (۲۲). دمپستر در آمریکا نشان داد که زنان با دلبستگی ایمن کمتر بر خلاف میل خود درگیر فعالیت جنسی می‌شوند و کمتر نسبت به فعالیت جنسی نگرش عملکردی^۱ دارند (۱۲).

مطالعه‌ی طولی کوپر در مورد نوجوانان مشخص نمود که دختران با سبک دلبستگی ایمن با احتمال بیشتر از فعالیت جنسی برای ابراز صمیمیت نسبت به شریک جنسی خود و

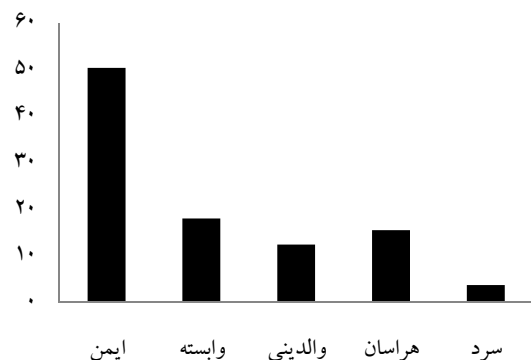
انصراف در هر مرحله از تحقیق توضیح داده شد و پس از کسب رضایت کتبی، در محیطی خلوت و به طور انفرادی از آنان خواسته می‌شد پرسش‌نامه‌های مربوطه را تکمیل نمایند.

در مورد پرسش‌نامه‌ی سبک دلبستگی، به افراد تاکید می‌شد که هنگام پاسخگویی به سئوالات، به هیچ وجه احساس فعلی خود را در نظر نگیرند. جهت اطمینان از حصول این نحوه‌ی پاسخ‌دهی، دو سؤال مهم مانند «من به نیازهای مادرم بیشتر از نیازهای خودم اهمیت می‌دادم» از واحد پژوهش پرسیده و از وی خواسته می‌شد درباره‌ی این سئوالات، توضیح دهد.

در مورد شاخص عملکرد جنسی، ابتدا دستور کار ضمیمه به پرسش‌نامه حاوی تعریف تعدادی واژه مانند فعالیت جنسی و هیجان جنسی به پاسخگو داده می‌شد که با دقت آن را مطالعه نماید و سپس به سئوالات پاسخ دهد. جهت اطمینان از فهم صحیح سئوالات، مانند پرسش‌نامه‌ی سبک دلبستگی عمل می‌گردید. تجزیه و تحلیل آماری با نرم‌افزار SPSS با استفاده از آزمون رگرسیون خطی در سطح معنی‌داری ۰/۰۵ انجام شد.

نتایج

میانگین سن شرکت‌کنندگان و همسران‌شان به ترتیب ۲۸/۶ و ۳۳/۲۸ سال، میانگین طول مدت ازدواج ۱۰۵/۷ ماه و میانگین تعداد فرزندان ۰/۹ بود. بیشترین سبک دلبستگی به مادر از نوع ایمن (۵۰/۳٪) و به پدر از نوع وابسته (۲۸/۶٪) بود (نمودار ۱ و ۲).



نمودار ۱- فراوانی سبک‌های دلبستگی با مادر در زنان مورد مطالعه

بر پایه‌ی نتایج تحلیل واریانس و شاخص‌های آماری رگرسیون، عملکرد جنسی و تمام حیطه‌های آن به جز رطوبت جنسی ارتباطی مثبت و معنی‌دار با سبک دلبستگی ایمن و

^۱نگرشی که بر اساس آن فرد به فعالیت‌های جنسی مانند خودارضایی و استفاده از آلات مصنوعی معتقد است.

جدول ۱- خلاصه تحلیل واریانس و مدل رگرسیون ضریب همبستگی عملکرد جنسی و حیطه‌های آن با سبک دلبستگی به مادر

حیطه های جنسی	ایمن		وابسته		والدینی		هراسان		سرد		p	
	t	B	t	B	t	B	t	B	t	B		
عملکرد جنسی	۳/۱۴**	۲/۰۵	-۰/۰۱	-۰/۰۲	-۰/۴۶	-۰/۶۹	-۰/۷۱	-۱/۲۸	-۱/۰۳	-۱/۳۰	۶/۲۴	<۰/۰۰۱
میل جنسی	۲/۴۱**	۰/۴۴	۰/۱۹	۱/۳۱	۰/۰۴	۰/۲۵	-۰/۳۹	۰/۲۵	-۰/۱۱	-۰/۴۹	۵/۲۱	<۰/۰۰۱
هیجان جنسی	۲/۰۰	۱/۰۷	۰/۱۶	۰/۳۹	-۰/۵۲	-۰/۹۶	۰/۰۳	۰/۰۸	-۰/۴۶	-۰/۷۱	۲/۵۶	۰/۰۲
رطوبت جنسی	۰/۷۹	۰/۹۲	-۰/۹۶	-۲/۳۵*	۰/۱۰	۰/۲۰	۰/۲۷	۰/۶۲	-۱/۳۹	-۲/۲۲*	۳/۵۳	۰/۰۰۵
اوج لذت جنسی	۲/۸۰**	۱/۱۰	۰/۰۸	۰/۲۷	-۰/۲۱	-۰/۵۳	-۰/۵۳	-۱/۵۹	-۰/۳۳	-۰/۷۰	۴/۵۷	۰/۰۰۱
رضایت جنسی	۲/۵۹**	۱/۰۲	-۰/۱۱	-۰/۳۶	-۰/۴۹	-۱/۲۲	-۰/۰۸	-۰/۲۳	-۰/۳۵	-۰/۷۴	۳/۲۲	۰/۰۰۹
عدم احساس درد	۲/۱۱	۰/۸۳	۰/۳۰	۰/۹۵	-۰/۲۰	-۰/۵۱	-۰/۸۱	-۲/۴۰**	-۰/۳۳	۰/۶۸	۴/۴۵	۰/۰۰۱

* $P < 0.05$ ** $P < 0.01$ **جدول ۲- خلاصه تحلیل واریانس و مدل رگرسیون ضریب همبستگی عملکرد جنسی و حیطه‌های آن با سبک دلبستگی به پدر**

حیطه های جنسی	ایمن		وابسته		والدینی		هراسان		سرد		p	
	t	B	t	B	t	B	t	B	t	B		
عملکرد جنسی	۱/۵۳	۰/۹۸	-۰/۰۱	-۰/۰۳	-۰/۷۲	-۱/۲۳	-۰/۱۸	-۰/۳۴	-۲/۰۵	-۳/۶۴**	۷/۶	<۰/۰۰۱
میل جنسی	۱/۴۹	۰/۲۸	۰/۰۲	۰/۱۶	۰/۰۶	۰/۳۸	-۰/۱۶	-۱/۰۴	-۰/۳۸	-۲/۲۱*	۴/۴۸	۰/۰۰۱
هیجان جنسی	۰/۰۱	۰/۰۶	-۰/۱۴	-۰/۳۶	-۰/۱۴	-۰/۲۹	۰/۲۶	۰/۵۹	-۱/۶۷	-۳/۶۵**	۴/۱۰	۰/۰۰۲
رطوبت جنسی	۰/۶۵	۰/۳۴	-۰/۵۰	-۱/۲۹	-۰/۶۷	-۱/۴۰	۰/۶۴	۱/۴۵	-۱/۰۸	-۲/۳۶*	۲/۰۲	۰/۰۲
اوج لذت جنسی	۱/۶۵	۰/۶۲	۰/۴۸	۱/۷۲	-۰/۵۴	-۱/۵۵	-۰/۵۶	-۱/۷۷	-۰/۸۴	-۲/۵۲*	۷/۵۹	<۰/۰۰۱
رضایت جنسی	۱/۳۲	۰/۵۰	۰/۰۲	۰/۱۰	-۰/۶۴	-۱/۸۳	۰/۰۲	۰/۰۶	-۱/۰۲	-۳/۰۵**	۵/۶۶	<۰/۰۰۱
عدم احساس درد	۱/۶۱	۰/۶۵	-۰/۱۰	-۰/۳۶	-۰/۱۲	-۰/۳۲	-۰/۳۴	-۱/۰۱	-۰/۶۵	-۱/۸۳	۳/۳۹	۰/۰۰۶

* $P < 0.05$ ** $P < 0.01$

این خصوصیات می‌تواند بر عملکرد جنسی آنان تاثیر بگذارد. معنی‌دار نشدن ارتباط رطوبت جنسی با سبک دلبستگی ایمن به مادر و ارتباط منفی و معنی‌دار میان رطوبت جنسی و سبک‌های وابسته و سرد به مادر و نیز ارتباط منفی و معنی‌دار عدم احساس درد در روابط جنسی با سبک دلبستگی هراسان به مادر می‌تواند بیانگر این باشد که جنبه‌های فیزیکی عملکرد جنسی بیش از آن که از تاثیرات مثبت سبک دلبستگی ایمن تاثیر بگیرند از اثرات منفی سبک‌های نایمن متاثر می‌شوند.

بین حیطه‌های عملکرد جنسی واحدهای مورد پژوهش با سبک دلبستگی سرد به پدر ارتباط منفی و معنی‌دار وجود داشت. در مطالعه‌ی دمپستر، سبک دلبستگی هراسان و سرد با پدر و مادر ارتباطی مثبت و معنی‌دار با فعالیت جنسی ناخواسته دارد ($P < 0.05$) (۱۲).

بالا بردن لذت جنسی استفاده می‌کنند که البته این ارتباط، معنی‌دار نبود (۱۵). هر چند بین نتایج پژوهش حاضر و مطالعات فوق به دلیل روش نمونه‌گیری، جامعه‌ی آماری، فرهنگ‌های مختلف و استفاده از تقسیم‌بندی متفاوت سه‌گانه و پنج‌گانه‌ی سبک‌های دلبستگی تفاوت‌هایی وجود دارد؛ صرف نظر از این تفاوت‌ها، دلبستگی ایمن دختران به مادر در کودکی بیش از دیگر انواع سبک‌های دلبستگی به مادر بر روابط و قابلیت‌های جنسی بزرگسالی فرد موثر است و در واقع تاثیر مثبت دلبستگی ایمن به مادر بیش از تاثیرات سوء سبک‌های نایمن به مادر، در بزرگسالی بروز می‌کند. افراد با دلبستگی ایمن خود را از نظر دیگران افرادی با ارزش و دوست‌داشتنی می‌دانند، مهارت‌های اجتماعی بالاتری داشته، انتظارات مثبتی از روابط خود با دیگران دارند و در نتیجه احساس رضایت‌شان بیشتر است (۲۴).

باتزر^{۱۶} و همکارانش در لندن دریافتند که دل بستگی ناایمن دوسوگرا و اجتنابی با کاهش رضایت جنسی و رضایت زناشویی همراه است ($P < 0/001$) (۲۵). در مطالعه‌ی برنیوم و همکاران بر روی ۹۶ زن که ۶۹/۸ درصد آن‌ها همسر رسمی داشتند، افراد دوسوگرا، رضایت جنسی پایین‌تر، برانگیختگی و لذت جنسی کمتر و صمیمیت پایین‌تری را در حین فعالیت جنسی تجربه می‌کردند ($P < 0/001$) و سبک دل بستگی اجتنابی رابطه‌ی معکوس با تمام جنبه‌های عملکرد جنسی (رضایت، برانگیختگی، اوج لذت و صمیمیت حین فعالیت جنسی) داشت که تنها در مورد صمیمیت حین فعالیت جنسی، معنی‌دار شد ($P < 0/05$) (۲۱). از آن جایی که فعالیت جنسی ناخواسته با افزایش مشکلات جنسی همراه است و رضایت یکی از قسمت‌های مهم زندگی جنسی است که عملکرد جنسی را تحت تاثیر قرار می‌دهد؛ یافته‌های مطالعه دمپستر و باترز می‌توانند به طور غیر مستقیم یافته‌های مطالعه‌ی حاضر را پشتیبانی نماید (۱۲، ۲۵).

سبک دل بستگی سرد زمانی ایجاد می‌شود که نیاز عاطفی کودک نادیده گرفته می‌شود. این کودکان شدیداً سعی می‌کنند مستقل شوند و از نظر عاطفی نسبت به دیگران سرد می‌شوند (۲۶). این سرد شدن احساسی بر روابط جنسی افراد نیز می‌تواند موثر بوده و منجر به پایین آمدن کیفیت عملکرد جنسی می‌شود. با توجه به نظریه‌ی فروید که یکی از افراد مهم در شکل‌گیری نظریه‌ی بالبی است، زمانی که دختر بچه در ۵ سالگی، توجهات پدرش را به خود بپذیرد و غرور مونث بودن خود را دوباره به دست آورد، شروع به تخیلاتی در مورد خود و پدرش می‌کند. این موقعیت که برابر با احساسات ادیپی در پسران است، عقده‌ی الکترا نامیده می‌شود و هم‌چون احساسات ادیپی تجربه‌های عشقی را تحت تاثیر قرار می‌دهد (۲۷). از نظریات فروید چنین استنباط می‌شود که اگر دختر بچه از پدر خود ناامید شود، وضعیت به وجود آمده منطبق با تعریف سبک دل بستگی سرد به پدر خواهد بود که تجربه‌های عشقی و در نتیجه، تجربه‌های جنسی شدیداً تحت تاثیر قرار می‌گیرند.

بر اساس نتایج مطالعه‌ی حاضر به جز ارتباط منفی رطوبت جنسی با سبک دل بستگی وابسته به مادر، حیطه‌های عملکرد جنسی ارتباط معنی‌داری با سبک‌های دل بستگی وابسته و والدینی به پدر و مادر نشان ندادند. اگر چه ارتباط میان حیطه‌های عملکرد جنسی و سبک‌های وابسته و والدینی در بعضی حیطه‌ها مثبت و در بعضی منفی بود که تفسیر یافته‌ها را با مشکل مواجه می‌نماید، اما ارتباط منفی حیطه‌ی کلی عملکرد جنسی با سبک‌های وابسته و والدینی به پدر و مادر قابل بحث است. بالبی، دل بستگی والدینی را نوعی الگوی دل بستگی معکوس به شمار می‌آورد که والدین گاه عمدی و گاه غیر عمدی در جایگاه کودک، برای او ایفای نقش می‌کنند و این باعث می‌شود که کودک احساس نیاز به دل بستگی را در خود سرکوب کند (۲۸). از اظهارات وی چنین استنباط می‌شود که دل بستگی والدینی نمی‌تواند دل بستگی ایمن قلمداد شود. به عقیده‌ی برخی از پژوهشگران، مشخصه‌ی اصلی دل بستگی وابسته، اتکای ناهنجار به دیگران است. برخی مطالعات نشان داده‌اند که زنان با شخصیت وابسته دارای روحیه‌ی فرمان‌برداری و علائم افسردگی بوده و از احساسات هیجانی کمتری برخوردارند (۱۷).

سبک‌های وابسته و والدینی در تقسیم‌بندی اسنوکه در سال ۲۰۰۵ مطرح شد، به عنوان ایمن دسته‌بندی شده‌اند ولی توضیح چندانی در نظریه‌ی بالبی برای آن وجود ندارد. برای اظهار نظر دقیق‌تر، نیاز به پژوهش‌های گسترده‌تر با حجم نمونه‌ی بیشتر می‌باشد.

محدودیت‌های این پژوهش شامل عدم بررسی تاثیر نقش هورمون‌ها و وراثت بر عملکرد جنسی بود.

معیارهای متعدد ورود و خروج نمونه، قابلیت تعمیم یافته‌ها را تا حدی کاهش می‌دهد. پرسش‌نامه‌ی تعیین سبک دل بستگی برای اولین بار در ایران اجرا می‌گردید و مطلوب آن بود که هنجار شود اما با توجه به مراحل طولانی این روند، به روایی محتوا بسنده شد.

دل بستگی ایمن به مادر و دل بستگی سرد به پدر در کودکی، به ترتیب با عملکرد جنسی مثبت و منفی زنان در بزرگسالی ارتباط مستقیم دارند. این ارتباط نشان می‌دهد که دل بستگی

¹⁶Butzer

عاطفی وی در بزرگسالی در زمینه‌ی عملکرد جنسی تأیید می‌کند. پیشنهاد می‌شود که پژوهش مورد-شاهدی و ترجیحا آینده‌نگر با تشکیل گروه‌هایی با انواع دلبستگی به تفکیک پدر و مادر و ارتباط آن با نحوه‌ی عملکرد جنسی در ایشان انجام شود.

ایمن دختر به مادر بیش از دلبستگی ناایمن وی و دلبستگی ناایمن دختر به پدر بیش از دلبستگی ایمن وی، بر عملکرد جنسی او در بزرگسالی موثر است. نتایج این مطالعه، نظریه‌ی بالبی را در مورد تأثیر روابط کودک با والدین بر مهارت‌ها و قابلیت‌های اجتماعی و

References

1. Segraves RT. Female sexual disorders: Psychiatric aspects. *Can J Psychiatry* 2002; 47: 419-25.
2. Roland D, Incrocci L. *Handbook of sexual and gender identity disorders*. New Jersey: John Wiley and sons; 2008: 199-202.
3. Young M, Luquis R. Correlates of sexual satisfaction in marriage. *Can J Hum Sex* 1998; 7(2):115-28.

4. Laumann EO, Paik A, Rosen RC. Sexual dysfunction in the United States: Prevalence and predictors. *JAMA* 1999; 281(6): 537-44.
5. Kaplan H, Sadocks B. [Synopsis of psychiatry: Behavioral sciences/clinical psychiatry]. 9th ed. Farzin R. (translator). Tehran: Argmand; 2003: 274-88. (Persian)
6. Atkinson RL, Atkinson R, Smith E, Bem D, Nolen S. [Hilgard's introduction to psychology]. 3rd ed. Brahany M, Birashk B, Bayk M, Zamany R, Shamloo S, Shahraray M. (translators). Tehran: Roshd; 2005: 122-5. (Persian)
7. Jahanfar S, Molaenezhad M. [Textbook of sexual disorders]. 2nd ed. Tehran: Bizheh and Salemi; 2005: 79-90. (Persian)
8. Jonathan SB. [Berek and Novak's gynecology]. 14th ed. Ghazijahani B, Zonuzi A, Bahrami N. (translators). Tehran: Golban; 2007: 292-8. (Persian)
9. Khatibi E. [Comparison of marital satisfaction in attachment styles]. MA. Dissertation. Tabriz: Tabriz University, College of psychology and educational sciences, 2004: 89-128. (Persian)
10. Steinberg SJ, Davila J, Fincham F. Adolescent marital expectations and romantic experiences: Associations with perceptions about parental conflict and adolescent attachment security. *J Youth Adolesc* 2006; 35(3): 333-48.
11. Collins NL, Cooper L, Albino A, Allard L. Psychosocial vulnerability from adolescence to adulthood: A prospective study of attachment style differences in relationship functioning and partner choice. *J Pers* 2002; 70(6): 965-1007.
12. Dempster D. Multidimensionality of patterns of attachment, sexual attitudes and unwanted sex. Ph.D. Dissertation. USA: University of Mississippi, College of philosophy, 2007: 18-38.
13. Rahimiyan BA, Nory A, Arizi H, Molavi H, Froghi MA. [Relationship between attachment styles with satisfaction and job stress in nurses]. *Journal of Iranian psychiatry and clinical psychology* 2007; 2(13): 148-57. (Persian)
14. Steven A, Meyers A, Landsberger SA. Direct and indirect pathways between adult attachment style and marital satisfaction. *Pers Relatsh* 2002; 9: 159-72.
15. Cooper ML, Pioli M, Levitt A, Talley AE, Micheas L, Collins NL. Attachment styles, sex motives, and sexual behavior: Evidence for gender specific expressions of attachment dynamics. In: Mikulincer M, Goodman GS. (editors). *Dynamics of romantic love: Attachment, care giving, and sex*. New York: Guilford; 2006: 243-75.
16. Brassard A, Shaver PR, Lussier Y. Attachment, sexual experience, and sexual pressure in romantic relationships: A dyadic approach. *Pers Relatsh* 2007; 14: 475-93.
17. Gordon KW. The multidimensionality of peer victimization and patterns of relating in attachment. Ph.D. Dissertation. USA: University of Mississippi, College of philosophy, 2008: 15-28.
18. Bowlby J. [Elite psychology and education-attachment theory]. 1st ed. Khoshabi K, Aboohamzeh E. (translators). Tehran: Danjeh; 2007: 32-135. (Persian)
19. Morton N, Browne K. Theory and observation of attachment and its relation to child maltreatment: A review. *Child Abuse Negl* 1998; 22(11): 1093-104.
20. Snow MS, Dugan E, Wolff LA, Stoltz KB, Heather H, Sullivan KA. The adult scale of parental attachment: Psychometric properties, factor analysis, and multidimensional scaling in two studies. *J Attach Hum Dev* 2007.
21. Birnbaum GE. Attachment orientations, sexual functioning, and relationship satisfaction in a community sample of women. *J Soc Pers Relat* 2007; 24(1): 21-35.
22. Tracy JI, Shaver PR, Albino AW, Cooper ML. Attachment styles and adolescent sexuality. In: Florsheim P. (editor). *Adolescent romance and sexual behavior: Theory, research, and practical implications*. Mahwah, NJ: Lawrence; 2003: 137-59.
23. Nancy S, Weinfield L, Sroufe A, Egeland B, Carlson B. Individual differences in infant-caregiver attachment. In: Cassidy J, Shaver PR. (editors). *Handbook of attachment: Theory, research, and clinical applications*. New York, London: Guilford; 2008: 78-101.
24. Gridley GG. Integrating sex therapy and couple therapy in the treatment of hypoactive sexual desire disorder: An attachment-based approach. Ph.D. Dissertation. USA: California University, College of psychology, 2006: 1-50.
25. Butzer B, Campbell L. Adult attachment, sexual satisfaction, and relationship satisfaction: A study of married couples. *Pers Relatsh* 2008; 15: 141-54.

26. Mikulincer M, Shaver PR. Attachment theory and emotion in close relationships: Exploring the attachment-related dynamics of emotional reactions to relational events. *Pers Relatsh* 2005; 12: 149-68.
27. Crain W. [Theories of development: Concepts and applications]. 1st ed. Khoyi Nejad GH, Rajayi AR. (translators). Tehran: Roshd; 2005: 77-94. (Persian)
28. Byng-Hall J. Relieving parentified children's burdens in families with insecure attachment patterns. *Fam Process* 2002; 41: 375-88.